

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال ۱۳ - شماره ۵۲ - زمستان ۱۳۹۵
صفحات ۱۷۱ تا ۱۹۶

اثر گذاری کیفیت کمیته حسابرسی بر تحقق اهداف کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی

آمنه بذرافشان*

چکیده

هدف از انجام این مطالعه، وضعیت سنجی تاثیر کیفیت کمیته حسابرسی بر تحقق اهداف الزامات کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، در افق کوتاه مدت است. به این ترتیب، پژوهش حاضر، تاثیر کیفیت کمیته های حسابرسی بر تحقق اهداف مالی مندرج در دستورالعمل کنترل های داخلی، شامل قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن و هدف غایی آن یعنی کاهش نابرابری اطلاعات را مورد بررسی قرار می دهد. با توجه به ویژگی مکنون بودن کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، از مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و پرکاربردترین نرم افزار آن یعنی Smart-PLS استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی شرکت های دارای کمیته حسابرسی، ضمن تبیین وضعیت موجود کمیته های حسابرسی از منظر وضعیت رعایت مقررات و ترکیب، نشان می دهد که کیفیت کمیته حسابرسی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می شود. همچنین یافته ها نشان می دهد کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می گردد. با این حال در مجموع کیفیت کمیته حسابرسی، تاثیر معنی داری در کیفیت گزارشگری مالی نداشته است.

واژگان کلیدی: کمیته حسابرسی، قابل اتکا بودن، مربوط بودن، به موقع بودن، کنترل های داخلی، نابرابری اطلاعات

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام رضا (نویسنده مسئول) bazrafshan_63@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۹

مقدمه

در دو دهه اخیر، نهادهای ناظر بر بازارهای مالی اعم از بازارهای سرمایه و بازارهای پولی، مکانیزم‌های مختلفی را برای ارتقای کیفیت گزارش‌های مالی و در نتیجه حفاظت بیشتر از منافع عمومی در این بازارها دنبال نموده‌اند. در این راستا تدوین الزامات مرتبط با کنترل‌های داخلی یکی از مهم‌ترین نمونه‌های حفاظت‌کننده منافع عمومی می‌باشد. چرا که کنترل‌های داخلی به عنوان قلب راهبری شرکتی قرار محسوب می‌شود. در ایران نیز الزامات کنترل‌های داخلی در سه سال اخیر، به عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال پرمناقشه‌ترین مکانیزم‌های مصوب نهاد ناظر بازار سرمایه ایران یعنی سازمان بورس و اوراق بهادار توجه زیادی را به خود اختصاص داده است. مطابق با ماده دو دستورالعمل کنترل‌های داخلی، هدف مالی این الزامات عبارت از ارتقای کیفیت گزارشگری مالی از طریق بهبود سه شاخص قابل اتکابودن، مربوط بودن و به موقع بودن می‌باشد. از سوی دیگر مطابق با ماده ده دستورالعمل، مسئولیت ارزیابی و نظارت بر کنترل‌های داخلی بر عهده کمیته‌های حسابرسی گذاشته شده است. از این رو برای رسیدن به اهداف مالی کنترل‌های داخلی، نقش کمیته حسابرسی و کیفیت آن اساسی خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود که هر اندازه کیفیت کمیته‌های حسابرسی ارتقا یابد، شاخص‌های کیفیت گزارشگری مالی بهبود و در نتیجه نابرابری اطلاعات کاهش یابد. مطابق با ماده پیش‌گفته و منشور کمیته حسابرسی، برای حفظ کیفیت کمیته‌ها، بر سه عامل مستقل بودن، دارای تخصص مالی بودن و با سابقه بودن کمیته تاکید شده است.

اگرچه ممکن است در عمل برخی پیامدهای کیفیت کمیته حسابرسی در بلندمدت نمود یابد با این حال، بررسی این موارد در افق زمانی کوتاه مدت می‌تواند در برداشتن گام‌های متناسب بلندمدت اثربخش باشد. بنابراین، انگیزه محقق از انجام این پژوهش، با توجه به نوظهور بودن و تجربه اندک بحث کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و کمیته‌های حسابرسی در کشور، بررسی آثار مزبور جهت بهبود و اصلاح مقررات مرتبط می‌باشد. با توجه به آن که دستورالعمل کنترل‌های داخلی به صورت تجربی آزمون نشده و بازخورد خاصی را دریافت نکرده است، نتایج این پژوهش می‌تواند موجب تکمیل و بهبود دستورالعمل و سایر مقررات مرتبط گردد و شواهد تجربی مناسبی را برای نحوه دقیق اثرگذاری کمیته بر اهداف کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی فراهم آورد.

در این راستا و با توجه به ویژگی مکنون بودن کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، در این پژوهش از روش معادلات ساختاری جهت تعیین روابط بین متغیرها و تعیین جایگاه روابط مزبور در شبکه روابط کل متغیرها و به عبارت دیگر مدل سازی چگونگی اثرگذاری متغیرهای کیفیت کمیته حسابرسی بر متغیرهای مرتبط با اهداف الزامات کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و پیامد آن استفاده شده است.

ادامه مقاله به شرح زیر سازماندهی شده است. در بخش دو ادبیات و فرضیات مربوط به این مطالعه مورد بررسی قرار می گیرد. بخش سه به توضیح روش پژوهش می پردازد. یافته های پژوهش در بخش چهار ارائه می شود. در نهایت نتایج و پیشنهادات در بخش پنج ارائه می گردد.

مبانی نظری، ادبیات و بسط فرضیات پژوهش

مطابق با دستورالعمل کنترل های داخلی، سیستم کنترل های داخلی باید در برگیرنده سیاستها، رویه ها، وظایف، فعالیت ها و سایر جنبه هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از محافظت از دارایی ها، کارا و اثر بخش بودن عملیات شرکت، رعایت قوانین و مقررات و در نهایت حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید. بنابراین هدف الزامات کنترل های داخلی حصول اطمینان نسبت به سه بعد کارایی و اثربخشی عملیات، کیفیت گزارشگری مالی و رعایت قوانین و مقررات می باشد. با این وجود در این میان، هدف گزارشگری مالی جایگاه ویژه ای دارد و در خود الزامات نیز مورد تاکید قرار گرفته است. این تاکید به این سبب است که چنانچه اطلاعات با کیفیت به فعالان بازار ارایه گردد و شفافیت اطلاعاتی افزایش یابد، خود فعالان بازار می توانند دو بعد دیگر (کارایی و اثربخشی عملیات و همچنین رعایت قوانین و مقررات) را مورد نظارت و پیگیری قرار دهند. از همین رو در تمامی کشورهایی که اقدام به تدوین الزامات کنترل های داخلی نمودند و همچنین در ایران، گزارش کنترل های داخلی که شرکت های بورسی باید تهیه نمایند و همچنین گزارش حسابرسان متمرکز بر کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی هستند. انتظار می رود هرچه کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی بهبود یابد، کیفیت گزارشگری مالی نیز بهبود یابد. اگرچه بهبود کامل کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی امری بلندمدت و مستمر می باشد، لکن انتظار می رود همین اولین گام در حرکت به سوی بهبود کنترل ها، باعث تغییر در کیفیت گزارشگری مالی

شود. به ویژه آن که مطابق با بررسی‌های انجام شده، بسیاری از شرکت‌های بورسی اقدام به تشکیل کمیته‌های حسابرسی که یکی از اصلی‌ترین ابزار بهبود کنترل‌ها می‌باشد، نموده‌اند. تاثیر کنترل‌های داخلی و به ویژه وجود کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی از طریق تئوری نمایندگی توضیح داده می‌شود. ایده اصلی این تئوری این است که تضاد منافع بین مالک و مدیریت وجود دارد. اعتقاد بر این است که دو علت اصلی مشکلات نمایندگی، تضاد منافع و نگرش‌های مختلف مالک و مدیریت نسبت به ریسک است. این تضاد از نابرابری اطلاعات بین مالکان و مدیران ناشی می‌شود. برای هدف پاسخگویی، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مدیریت نیاز به نظارت دارد. نظارت نزدیک زمانی ممکن است که مالکان خودشان به طور فعال بتوانند در این فرایند نظارت مشارکت کنند. با این حال، به دلیل هزینه‌های بالا و در برخی از موارد به دلیل فقدان تخصص و دانش، آنها نمی‌توانند فعالانه در این فرایند درگیر شوند. با این حال، هیئت مدیره مجبور است مکانیزم‌های نظارتی را به دلیل تعهدی که در قبال سهامداران دارد طراحی و مستقر کند (جانسون و همکاران^۱، ۱۹۹۶). بنابراین معمولاً یک مجموعه کارشناس و متخصص برای نظارت بر فعالیت‌های مدیریت به نمایندگی خود استخدام می‌کند. کمیته حسابرسی یک کمیته فرعی تحت چارچوب حاکمیت شرکتی است که در آن هیئت مدیره برخی از مسئولیت‌های نظارتی را بر آن محول می‌کند. دی^۲ (۲۰۰۸) نشان داد سطح و شدت مشکل نمایندگی در آن دسته از شرکت‌هایی که در آن کمیته‌های حسابرسی از لحاظ ترکیب و عملکرد موثرتر است کمتر می‌باشد.

کمیته حسابرسی به ایجاد ارتباط مناسب بین هیئت مدیره، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی شرکت کمک می‌کند. این کمیته می‌تواند بر مدیریت ارشد شرکت نظارت کند و به عنوان بازدارنده مدیریت از زیر پا گذاشتن کنترل‌های داخلی، نقش موثری ایفا کند. کمیته حسابرسی اثربخش، به عنوان عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی، موجب افزایش اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌شود.

در خصوص پیامدهای الزامات کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی اینگونه می‌توان بیان نمود که راهبری مناسب، موجبات افشا و گزارشگری با کیفیت توسط شرکت‌ها را فراهم می‌کند. هدف حاکمیت شرکتی، حصول اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نابرابر بالقوه بین

1 - Johnson, et al.

2 - Dey

نماینده (مدیر) و ذینفعان مختلف (سهامداران، اعتباردهندگان و غیره)، تحقق می‌یابد. کاهش اینگونه مشکلات، موجب افزایش رغبت سهامداران به معامله در این بازارها و افزایش نقدشوندگی سهام در بازار می‌گردد.

کیفیت اطلاعات افشا شده از سوی راهبران شرکت، یکی از مهمترین ابزارهای تصمیم‌گیری از سوی سرمایه‌گذاران است. زمانی که اطلاعات از طریق راهبران شرکت به عموم عرضه می‌گردد این اطلاعات توسط معامله‌گران، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بررسی و تجزیه و تحلیل می‌گردد و بر این اساس، نسبت به خرید و فروش سهام شرکت‌ها تصمیم‌گیری می‌نمایند. نحوه برخورد سرمایه‌گذاران با این اطلاعات و تصمیمات آنها، حجم عرضه و تقاضا یا به نوعی عمق بازار و قیمت‌های پیشنهادی جهت خرید و فروش را شکل می‌دهد. به عبارتی، نظام حاکمیت شرکتی منسجم و ساختار یافته، از طریق ارتقای سطح کیفی اطلاعات و شفافیت نقش مهمی در جهت‌دهی تصمیمات سرمایه‌گذاران و بازیگران بازار سرمایه داشته، موجبات ایجاد بازارهای سرمایه‌ای با نقدشوندگی و عمق بالا را فراهم می‌آورد. بطور کلی بهبود کیفیت حسابرسی موجب بهبود کیفیت اطلاعات و متعاقباً کاهش نابرابری اطلاعات می‌گردد (شیرین بخش و همکاران، ۱۳۹۲).

پیرامون اثربخشی وجود کمیته حسابرسی و کیفیت آن تحقیقات بسیاری انجام شده است. تعدادی از این تحقیقات بر وجود کمیته حسابرسی و تعدادی بر ویژگی‌های کمیته نظیر استقلال، تخصص، تجربه اعضا و ... تاکید نموده‌اند که در ادامه به نمونه‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

۲-۱) تحقیقات مرتبط با آثار وجود کمیته حسابرسی

نتایج برخی از تحقیقات مرتبط با وجود کمیته حسابرسی، از رابطه مثبت بین استقرار کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی حکایت دارد. به عنوان مثال یافته‌ها نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی هستند احتمال دستکاری سود کمتر (دیچاو و همکاران^۱، ۱۹۹۶)، گزارش‌های مالی قابل‌اتکاتر (باکستر و کاتر^۲، ۲۰۰۹)، احتمال افشای داوطلبانه بیشتر (هو و وونگ^۳، ۲۰۰۱) اقلام تعهدی غیرعادی کمتر (پائوت و جانین^۳،

1 - Dechow, et al.
2 - Baxter and Cotter
3 - Piot and Janin

۲۰۰۷) ضریب واکنش سود بیشتر (چن و همکاران^۱، ۲۰۰۸) و تجدیدارائه صورت های مالی کمتر (لاری و تیلور^۲، ۲۰۱۲) است.

نتایج مطالعه برایوتا و ژو^۳ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که وجود کمیته های حسابرسی اثربخش بعد از الزامات سارینز-اکسلی منجر به کاهش مدیریت سود شده است. دالیوال و همکاران^۴ (۲۰۱۰) مشاهده کردند کیفیت کمیته حسابرسی، کیفیت ارقام تعهدی را بعد از تصویب قانون سارینز-اکسلی افزایش می دهد. کریشان و همکاران (۲۰۱۱) با بهره گیری از دو معیار کیفیت گزارشگری مالی-کیفیت ارقام تعهدی و ارقام تعهدی اختیاری- برای نمونه ای مشتمل بر ۱۰۰۰ شرکت روسی در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ دریافتند تاثیر مثبت کمیته حسابرسی بعد از تصویب قانون در مقایسه با قبل آن بیشتر است. چانگ و سان^۵ (۲۰۰۹) دریافتند که مفاد قانون سارینز-اکسلی، اثربخشی کمیته حسابرسی و سایر کارکرد های حاکمیت شرکتی را در نظارت بر کیفیت سود شرکت های خارجی پذیرفته شده در بورس بهبود می دهد.

با این وجود تعدادی از محققان اظهار داشته اند که وجود کمیته حسابرسی لزوماً به کیفیت گزارشگری مالی بهتر منجر نمی شود (منون و ویلیامز^۶، ۱۹۹۴). بعلاوه فورکر^۷ (۱۹۹۲) در آمریکا و دیویدسون و همکاران^۸ (۲۰۰۴) و هی و همکاران^۹ (۲۰۰۷) در استرالیا یک رابطه بی معنی بین وجود کمیته حسابرسی و کیفیت افشا مشاهده نمودند. بریک و چیدامباران^{۱۰} (۲۰۱۰) دریافتند فعالیت نظارتی کمیته حسابرسی تاثیر منفی بر ارزش شرکت دارد. با این وجود نتایج در زیردوره ها حاکی از یک تاثیر مثبت بر ارزش شرکت برای دوره قبل از قانون سارینز-اکسلی اما یک تاثیر منفی (بی معنی) بعد از قانون دارد. گوش و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۰) دریافتند که اندازه، دوره تصدی و فعالیت کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه دارد. از آن مهمتر اینکه شدت رابطه در سال های بعد از سارینز-اکسلی در مقایسه با سال های قبل از آن ضعیف تر است.

-
- 1- Chen, et al.
 - 2 - Lary and Taylor
 - 3 - Braiotta and Zhou
 - 4- Dhaliwal et al.
 - 5 - Chang and Sun
 - 6 - Menon and Williams
 - 7 - Forker
 - 8 - Davidson, et al.
 - 9 - He, et al.
 - 10 - Brick and Chidambaran
 - 11 - Ghosh, et al.

تحقیقات مرتبط با استقلال کمیته حسابرسی

استقلال کمیته حسابرسی اغلب یک ویژگی بنیادی موثر بر اثربخشی کمیته در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی محسوب می شود. استدلال می شود که مدیران مستقل در بهترین موقعیت برای نظارت بر فرایند گزارشگری مالی هستند و توانایی بیشتری برای مقابله با فشارهای مدیریت در دستکاری سود دارند. در تعدادی از مطالعات پیشین رابطه مثبتی بین معیارهای کیفیت سود و استقلال کمیته مستند شده است. کلین^۱ (۲۰۰۲) در بررسی اثر استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، دریافت استقلال کمیته رابطه معکوس با سطح اقلام تعهدی اختیاری (که کاربرد نامحدود آن کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می دهد) دارد. نتایج پژوهش برانسون و همکاران^۲ (۲۰۰۹) نیز بیانگر این امر است که منافع استقلال کمیته تنها زمانی حاصل می شود که تمام اعضای کمیته مستقل باشند. بدارد و همکاران^۳ (۲۰۰۴) دریافتند که استقلال کمیته حسابرسی در کنترل اثربخش مدیریت سود متهورانه نقش بسزایی دارد. ویلیامز^۴ (۲۰۰۲) و برادبوری^۵ (۲۰۰۴) روابط مشابه و معناداری در ۴۶۵ سال- شرکت سنگاپوری و ۲۵۳ شرکت سنگاپوری/مالزیایی مشاهده نمودند. ابات و همکاران^۶ (۲۰۰۴) گزارش کردند شرکت هایی که کمیته های کاملا مستقل دارند نسبت به سایر شرکت ها کمتر به تجدید ارائه سود می پردازند. لاری و تیلور (۲۰۱۲) دریافتند استقلال رابطه منفی با وقوع تجدید ارائه دارد. کارسلو و همکاران^۷ (۲۰۱۱) در بررسی شرکت های آمریکایی در بازه زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ مشاهده نمودند بین استقلال کمیته حسابرسی و تجدید ارائه صورت های مالی رابطه منفی وجود دارد.

کارسلو و نیل^۸ (۲۰۰۳) رابطه مثبتی بین نسبت مدیران مستقل در کمیته حسابرسی و افشای تداوم فعالیت شرکت در گزارشگری مالی مشاهده نمودند. پاچستا-مارتینز و فونتس^۹ (۲۰۰۷) نشان دادند گنجاندن اعضای مستقل در کمیته حسابرسی تاثیر مثبت در بهبود کیفیت گزارشگری درون سازمانی و برون سازمانی دارد.

-
- 1 - Klein
 - 2 - Bronson, et al.
 - 3 - Be ´dard, et al.
 - 4 - Williams
 - 5 - Bradbury, et al.
 - 6 - Abbott, et al.
 - 7 - Carcello, et al.
 - 8 - Carcello and Neal
 - 9 - Pucheta-Martinez and Fuentes

در مقابل تعدادی از محققان به شواهدی دال بر اثربخشی استقلال اعضای کمیته حسابرسی دست نیافتند. به عنوان مثال ژی و همکاران^۱ (۲۰۰۳) هیچگونه رابطه معناداری بین اعضای مستقل کمیته و مدیریت سود متهورانه در یک نمونه ۲۸۰ سال- شرکت آمریکایی مشاهده نکرد. رینس بری و همکاران (۲۰۰۹) نیز در بررسی کیفیت کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه های حسابرسی رابطه معناداری بین استقلال اعضای کمیته و کیفیت گزارشگری مالی مشاهده نمودند. فاربر (۲۰۰۵) هیچگونه رابطه معنادار بین اعضای مستقل کمیته و احکام انضباطی SEC در حوزه حسابداری و حسابرسی که ناشی از کیفیت پایین گزارشگری مالی است مشاهده نکرد. همدان و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی استقلال کمیته حسابرسی بر محافظه کاری شرکت دریافتند که استقلال تاثیری بر محافظه کاری ندارد. در مطالعات انجام شده در استرالیا نیز شواهدی مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سطح اقلام تعهدی اختیاری و استقلال کمیته حسابرسی که از طریق نسبت اعضای غیرموظف (دیویدسون و همکاران، ۲۰۰۷) یا اعضای مستقل (هی و همکاران، ۲۰۰۷) اندازه گیری شده مشاهده نشد.

یافته های فخاری و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که استقلال اعضای کمیته حسابرسی رابطه منفی با مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های اختیاری دارد.

تحقیقات مرتبط با تخصص و تجربه کمیته حسابرسی

ادبیات حسابداری شواهدی مبنی بر رابطه مقطعی بین تخصص حسابداری و کیفیت بالای گزارشگری مالی فراهم می کند. به عنوان مثال، مطالعات پیشین کاهش اقلام تعهدی اختیاری (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۸) و اقلام غیرعادی افزاینده سود (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴) را هنگامی که شرکت ها حداقل دارای یک متخصص مالی در کمیته حسابرسی شان هستند مستند نموده اند. بعلاوه، شرکت های دارای حداقل یک متخصص مالی در کمیته حسابرسی شان سطوح پایین تری از اقلام تعهدی اختیاری تعدیل شده با عملکرد (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۸) و کیفیت بالاتر اقلام تعهدی (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۸) دارند. ابات و همکاران (۲۰۰۴)، فلو و همکاران (۲۰۰۳) و مانگنا و پیک (۲۰۰۵) دریافتند که تجربه مالی با تجدید ارائه کمتر سود، امتیاز اتخاذ شده بیشتر از سوی تحلیلگران و افشای بیشتر گزارشگری مالی رابطه دارد.

ابرنائی و همکاران^۱ (۲۰۱۳) دریافتند پیش بینی تحلیلگران از سود شرکت های دارای اعضای با تجربه مالی در کمیته حسابرسی دقیق تر است. دیفاند و همکاران (۲۰۰۵) و دیویدسون و همکاران (۲۰۰۴) شواهدی مبنی بر واکنش مثبت بازار سهام برای شرکت هایی که متخصص مالی برای کمیته حسابرسی شان منصوب می کنند یافتند. همدان و همکاران (۲۰۱۲) ویژگی های کمیته حسابرسی از جمله اندازه، استقلال، میزان فعالیت، تجربه و درصد سهام تحت تملک کمیته حسابرسی را بر محافظه کاری شرکت مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که تنها تجربه مالی بر محافظه کاری اثر مثبت دارد.

در مقابل تعدادی از محققان به شواهدی دال بر اثربخشی تخصص و تجربه اعضای کمیته حسابرسی دست نیافتند. به عنوان مثال رینس بری و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی کیفیت کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه های حسابرسی رابطه معناداری بین تجربه حسابداری اعضای کمیته و کیفیت گزارشگری مالی مشاهده نمودند. لین و همکاران^۲ (۲۰۰۶) به شواهدی دال بر وجود رابطه بین کمیته های حسابرسی دارای اعضای مستقل و تجدید ارائه سود دست نیافتند. ریچ^۳ (۲۰۰۹) شواهدی مبنی بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی بعد از انتصاب اعضای متخصص حسابداری در کمیته حسابرسی مشاهده نکرد. دالیوال و همکاران (۲۰۰۶) انواع مختلف تخصص مالی (حسابداری، حسابرسی و ...) و رابطه آن با کیفیت اقلام تعهدی را بررسی نمودند و دریافتند تنها تجربه حسابداری عضو کمیته حسابرسی بر کیفیت اقلام تعهدی موثر است.

همان گونه که در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شد یک کمیته اثربخش، مشکل نمایندگی را با حداقل نمودن نابرابری اطلاعات بین مالکان و مدیران تعدیل می کند و همچنین با انجام اثربخش برخی از وظایف خود از قبیل نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته، به حفظ منافع سهامداران و سایر ذینفعان کمک می کند. خروجی های اصلی کمیته اثربخش عبارتند از (الف) اطلاعات مالی قابل اتکاتر (ب) اطلاعات مالی مربوط تر (ج) اطلاعات مالی به موقع تر و (د) کاهش نابرابری اطلاعات. تمام این خروجی ها در نهایت منجر به حداکثر کردن ارزش شرکت در بلندمدت می شود که هدف غایی هر بنگاه تجاری است. به این ترتیب طبق تئوری های موجود و بررسی و مطالعه تحقیقات گذشته

1- Abernathy, et al.

2- Lin, et al.

3- Rich

روابط زیر بین کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی و به تبع آن نابرابری اطلاعاتی مورد انتظار است.

- (۱) بین کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد.
- (۲) بین کیفیت کمیته حسابرسی و نابرابری اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ جمع آوری داده ها تحقیقی توصیفی و از دیدگاه تقسیم بندی تحقیقات بر حسب هدف تحقیقی کاربردی است چراکه که نتایج حاصل از آن می تواند برای طیف گسترده ای از فعالان بازار سرمایه نظیر سهامداران، حسابرسان، سازمان بورس اوراق بهادار و غیره سودمند باشد.

با توجه به ویژگی مکنون بودن متغیرهای اصلی این پژوهش (کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی) برای بررسی فرضیات مدل و تعیین چگونگی و مکانیزم اثرگذاری کمیته حسابرسی بر اهداف کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و پیامد مرتبط با آن از مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. دلیل استفاده از این رویکرد عدم حساسیت آن به نرمال بودن و حجم نمونه است. در این رویکرد از پرکاربردترین نرم افزار آن Smart-PLS استفاده شده است (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳). مدل سازی معادلات ساختاری شامل تعدادی از روش های آماری برای برآورد شبکه ای از روابط علی است که بر پایه یک مدل نظری تعریف می شود و دو یا چند مفهوم پیچیده پنهان را با هم مرتبط می سازد که هر یک توسط تعدادی از شاخص های مشاهده پذیر اندازه گیری می شوند.

جامعه آماری و روش جمع آوری داده ها

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می باشد. شرکت هایی به عنوان نمونه انتخاب خواهند شد که دارای کمیته حسابرسی باشند، جزء بانک ها و موسسات مالی نباشند، در دوره زمانی پژوهش پذیرفته شده در بورس باشند، سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود و اطلاعات آن ها در دسترس باشد. شایان ذکر است در این پژوهش شرکت هایی به عنوان شرکت دارای کمیته حسابرسی تلقی می

شوند که تاریخ تشکیل کمیته قبل از تاریخ انتشار صورت های مالی آنان باشد. با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۱۱۷ شرکت که با الزام دستورالعمل کنترل های داخلی (مصوب سال ۱۳۹۱) اقدام به تشکیل یا تغییر کمیته حسابرسی نموده اند، انتخاب و برای آزمون فرضیه های تحقیق، مورد استفاده قرار گرفته است. شایان ذکر است با توجه به نحوه اندازه گیری برخی از متغیرها، از اطلاعات سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۲ نیز استفاده شده است. برای انجام پژوهش حاضر، داده های تحقیق از نرم افزار رهاورد نوین، سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران و سایت کدال استخراج شده است. بعلاوه استخراج داده های مربوط به کمیته حسابرسی از گزارش مشخصات کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی صورت گرفته است.

اندازه گیری متغیرها

کیفیت کمیته حسابرسی با بهره گیری از سه شاخص استقلال، تخصص و سابقه تشکیل سنجیده شده است. این سه شاخص نیز به صورت درصد مدیران مستقل، درصد مدیران دارای تخصص مالی و فاصله زمانی تاریخ تشکیل کمیته تا تاریخ انتشار صورت های مالی محاسبه شده است. طبق ماده ۲ دستورالعمل کنترل های داخلی، کنترل های داخلی باید در برگیرنده سیاستها، رویه ها، وظایف، فعالیت ها و سایر جنبه هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید. کیفیت گزارشگری مالی نیز در همان ماده به عنوان اطلاعات قابل اتکا، مربوط و به موقع بودن معرفی شده است. در این پژوهش، برای اندازه گیری سه مفهوم یادشده، به پیروی از بیست و همکاران^۱ (۲۰۰۹) به ترتیب از مدل اقلام تعهدی اختیاری، قابلیت پیش بینی و فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی استفاده شده است. برای اندازه گیری نابرابری اطلاعات نیز از تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده شده است.

اقلام تعهدی اختیاری

در این پژوهش از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری از قابل اتکا بودن استفاده می شود. اقلام تعهدی اختیاری کمتر بیانگر قابل اتکا بودن بیشتر گزارشهای مالی می باشد. جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز تعدیل شده بهره خواهیم برد. در این راستا ابتدا

1- Beest, et al.

مدل رگرسیونی ۱ را به صورت مقطعی برآورد خواهیم نمود. سپس برآوردهای حاصل از مدل ۱ را در مدل ۲ بکار خواهیم بست تا ارقام تعهدی نرمال (غیراختیاری) حاصل آید. در انتها جهت محاسبه ارقام تعهدی اختیاری، ارقام تعهدی نرمال را از کل ارقام تعهدی کسر خواهیم نمود.

$$\frac{TA_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} = \kappa_1 \frac{1}{Asset_{j,t-1}} + \kappa_2 \frac{\Delta Rev_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} + \kappa_3 \frac{PPE_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$NA_{j,t} = \hat{\kappa}_1 \frac{1}{Asset_{j,t-1}} + \hat{\kappa}_2 \frac{(\Delta Rev_{j,t} - \Delta AR_{j,t})}{Asset_{j,t-1}} + \hat{\kappa}_3 \frac{PPE_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$AA_{j,t} = \frac{TA_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} - NA_{j,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

TA: کل ارقام تعهدی، ΔREV : تغییر در درآمدها، ΔAR : تغییر در حساب های دریافتی، PPE: دارایی های ثابت، NA: ارقام تعهدی نرمال، AA: ارقام تعهدی اختیاری و Asset: کل دارایی ها.

قابلیت پیش بینی

در این پژوهش از قابلیت پیش بینی به عنوان معیاری از مربوط بودن استفاده می شود. قابلیت پیش بینی بیشتر بیانگر مربوط بودن بیشتر گزارشات مالی می باشد. جهت اندازه گیری قابلیت پیش بینی، مدل ۴ را برآورد خواهیم نمود. ریشه دوم واریانس خطا در مدل ۴ $(\sqrt{\sigma^2(\hat{v}_j)})$ بیانگر قابلیت پیش بینی خواهد بود. هرچه میزان این آماره بیشتر باشد قابلیت پیش بینی کمتر و در نتیجه مربوط بودن کمتر خواهد بود.

$$X_{j,t} = \phi_{0,j} + \phi_{1,j} X_{j,t-1} + v_{j,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

X: سود عملیاتی تقسیم بر تعداد سهام

فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی جهت اندازه گیری مربوط بودن از فاصله زمانی انتشار صورت های مالی حسابرسی نشده از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی به شرح معادله ۵ استفاده خواهیم نمود. هرچه این فاصله زمانی کمتر باشد به موقع بودن بیشتر خواهد بود.

$$DT = T_{\text{issue}} - T_{\text{reporting}} \quad \text{مدل (۵)}$$

T_{issue} : زمان انتشار صورت های مالی و $T_{\text{reporting}}$: تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی شایان ذکر است که میانگین فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی در هر صنعت نیز محاسبه می شود و فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی هر شرکت از میانگین صنعت آن کسر می شود. هرچه این فاصله زمانی کمتر باشد به موقع بودن بیشتر خواهد بود.

تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

در این پژوهش برای اندازه گیری نابرابری اطلاعاتی به پیروی از فرانسیس و همکاران^۱ (۲۰۰۵) از فاصله مقادیر عرضه و تقاضا (تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام) به شرح مدل ۶ استفاده می شود.

$$SPREAD = (AP - BP) / ((AP + BP) / 2) \quad \text{مدل (۶)}$$

SPREAD = تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP (ASK PRICE) = قیمت پیشنهادی فروش سهام

BP (BID PRICE) = قیمت پیشنهادی خرید سهام

به این ترتیب هرچه میزان این معیار کوچکتر باشد به معنای پایین بودن نابرابری اطلاعات است.

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

تحلیل توصیفی

بر اساس بررسی های انجام شده از ۱۱۷ شرکت دارای کمیته حسابرسی، تعداد ۱۰۹ شرکت و یا به عبارت دیگر ۹۳٪ شرکت ها دارای کمیته ای متشکل از ۳ عضو و ۷٪

1- Francis, et al.

شرکت ها دارای کمیته ای متشکل از ۵ عضو هستند. ۹۱٪ کمیته ها دارای ۱ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره، ۵٪ دارای ۲ نفر، ۱٪ دارای ۳ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره و ۳٪ فاقد عضو غیرموظف هیئت مدیره هستند. تاریخ تشکیل کمیته حسابرسی ۳٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۳، ۴۸٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۲، ۴۶٪ سال ۱۳۹۱ و ۳٪ دیگر قبل از سال ۱۳۹۱ می باشد.

۲۰٪ شرکت ها دارای کمیته کاملاً مستقل و ۸۰٪ دارای کمیته اکثراً مستقل می باشند. به عبارت دیگر تمامی شرکت های مورد مطالعه این پژوهش الزام مربوط به استقلال کمیته حسابرسی را رعایت نموده اند.

۷۸٪ شرکت ها دارای کمیته کاملاً متخصص، ۱۹٪ دارای کمیته اکثراً متخصص و ۳٪ دارای کمیته حداقل متخصص هستند. به عبارت دیگر ۳٪ شرکت های مورد مطالعه این پژوهش الزام مربوط به تخصص مالی کمیته حسابرسی را رعایت نمودند. ۱۲٪ اعضای کمیته های حسابرسی مورد بررسی دارای مدرک دکتری، ۴۳٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴۵٪ دارای مدرک کارشناسی می باشند.

نگاره ۱- آمار توصیفی ترکیب کمیته حسابرسی

ویژگی	شرح
اندازه	۹۳٪ شرکت ها دارای ۳ عضو ۷٪ شرکت ها دارای ۵ عضو
تاریخ تشکیل	۳٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۳ ۴۸٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۲ ۴۶٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۱ ۳٪ از شرکت ها قبل از سال ۱۳۹۱
استقلال	۲۰٪ شرکت ها دارای کمیته کاملاً مستقل ۸۰٪ شرکت ها دارای کمیته اکثراً مستقل
تخصص	۷۸٪ شرکت ها دارای کمیته کاملاً متخصص ۱۹٪ شرکت ها دارای کمیته اکثراً متخصص ۳٪ سایر شرکت ها
مشارکت اعضای غیرموظف	۹۱٪ دارای ۱ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره ۵٪ دارای ۲ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره ۱٪ دارای ۳ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره ۳٪ فاقد عضو غیرموظف هیئت مدیره
تحصیلات	۱۲٪ اعضا دارای مدرک دکتری ۴۳٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد

۴۵٪ دارای مدرک کارشناسی	تاریخ تشکیل واحد حسابرسی داخلی
۲٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۲	
۳۲٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۲	
۳۵٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۱	
۳۱٪ از شرکت ها قبل از سال ۱۳۹۱	
۴۴٪ شرکت ها متشکل از یک نفر	تعداد اعضا واحد حسابرسی داخلی
۱۴٪ شرکت ها متشکل از دو نفر	
۱۹٪ شرکت ها متشکل از سه نفر	
۲۰٪ شرکت ها متشکل از چهار نفر و بیشتر	
۳٪ برون سپاری	

در شرکت های دارای کمیته حسابرسی، تاریخ تشکیل واحد حسابرسی داخلی ۲٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۳، ۳۲٪ از شرکت ها سال ۱۳۹۲، ۳۵٪ سال ۱۳۹۱ و ۳۱٪ دیگر قبل از سال ۱۳۹۱ می باشد. واحد حسابرسی داخلی ۴۴٪ از شرکت ها متشکل از یک نفر، ۱۴٪ متشکل از دو نفر، ۱۹٪ متشکل از سه نفر و ۲۰٪ متشکل از چهار نفر و بیشتر است. ۳٪ از شرکت ها نیز اقدام به برون سپاری واحد حسابرسی داخلی نموده اند. خلاصه این اطلاعات در نگاره ۱ ارائه شده است. این نتایج در نگاره ۱ ارائه شده است.

سایر آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره ۲ نمایش داده شده است. همان گونه که در این نگاره مشاهده می شود، میانگین درصد افراد مستقل در کمیته ۷۲۳،۰ و افراد متخصص ۹۱۷،۰ است. میانگین سابقه تشکیل کمیته حسابرسی نیز ۴۱۱ روز می باشد.

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره ۳ نمایش داده شده است. همان گونه که در این نگاره مشاهده می شود، استقلال اعضای کمیته حسابرسی همبستگی مثبت و معنادار با متغیر مربوط بودن دارد. تخصص اعضا نیز همبستگی منفی و معنادار با متغیر تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام دارد. بعلاوه قابلیت اتکا رابطه مثبت و معناداری با متغیرهای مربوط بودن و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام دارد. استقلال نیز همبستگی منفی و معنادار با تخصص اعضای کمیته دارد.

شایان ذکر است با توجه به اندازه گیری متغیرها هرچه ارقام مربوط به معیارهای قابل اتکا بودن، مربوط بودن، به موقع بودن و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام کوچکتر باشند کیفیت گزارشگری مالی بهتر و نابرابری اطلاعات کمتر است. به عبارت

دیگر زمانی که گفته می شود استقلال کمیته حسابرسی همبستگی مثبت با مربوط بودن دارد به این معنی است که با افزایش استقلال، مربوط بودن کاهش می یابد.

نگاره ۲- آمار توصیفی

انحراف معیار	میانه	میانگین	
۰,۱۵۳	۰,۶۶۷	۰,۷۲۳	استقلال
۰,۱۶۸	۱	۰,۹۱۷	تخصص
۱۷۹	۴۲۸	۴۱۱	سابقه تشکیل
۰,۱۵۶	۰,۱۱۲	۰,۱۵۷	قابل اتکا بودن (قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری)
۰,۰۰۰۸	۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۷	مربوط بودن (انحراف معیار خطای برازش سود سال جاری بر سود سال قبل)
۲۴,۷۰۷	-۱۲	-۶,۳	به موقع بودن (فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی)
۰,۵۴۳	۰	-۰,۰۰۳	تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

* ارقام مربوط به سابقه بر حسب روز بوده و ارقام مربوط به به موقع بودن نیز بر حسب روز می باشد و از تفاوت فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی شرکت با میانگین فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی صنعت حاصل شده است. متوسط میانگین صنعت ۶۶ روز می باشد. بنابراین وقتی گفته می شود میانگین به موقع بودن در شرکت های نمونه ۶۳- روز است به این معنی است که متوسط فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی شرکت های نمونه ۶۰ روز می باشد.

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره ۳ نمایش داده شده است. همان گونه که در این نگاره مشاهده می شود، استقلال اعضای کمیته حسابرسی همبستگی مثبت و معنادار با متغیر مربوط بودن دارد. تخصص اعضا نیز همبستگی منفی و معنادار با متغیر تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام دارد. بعلاوه قابلیت اتکا رابطه مثبت و معناداری با متغیرهای مربوط بودن و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام دارد. استقلال نیز همبستگی منفی و معنادار با تخصص اعضای کمیته دارد.

شایان ذکر است با توجه به اندازه گیری متغیرها هرچه ارقام مربوط به معیارهای قابل اتکا بودن، مربوط بودن، به موقع بودن و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام کوچکتر باشند کیفیت گزارشگری مالی بهتر و نابرابری اطلاعات کمتر است. به عبارت

دیگر زمانی که گفته می شود استقلال کمیته حسابرسی همبستگی مثبت با مربوط بودن دارد به این معنی است که با افزایش استقلال، مربوط بودن کاهش می یابد. ذکر این نکته ضروری است که تحلیل هر یک از روابط مزبور در قالب مدل های یکپارچه دقیق تر خواهد بود چراکه ارتباط منفرد بین متغیرها می تواند متفاوت با ارتباط متغیرها در بستر مجموعه ای از متغیرهای دیگر باشد.

نگاره ۳- ماتریس همبستگی

تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	به موقع بودن	مربوط بودن	قابل اتکا بودن	سابقه	تخصص	استقلال
						۱
					۱	۰,۳۲۵**
				۱	-۰,۰۴۴	۰,۰۶۳
			۱	-۰,۱۳۱	-۰,۱۴۸	۰,۲۱۴
		۱	۰,۲۷۶**	-۰,۱۳۷	-۰,۰۶۰	۰,۱۹۳*
	۱	۰,۰۲۹	-۰,۱۲۵	-۰,۰۰۱	۰,۱۰۲	۰,۱۲۸
						تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام
۱	۰,۰۹۶	۰,۰۴۰	۰,۱۹۳*	-۰,۰۸۹	-۰,۲۴۹**	۰,۱۶۶

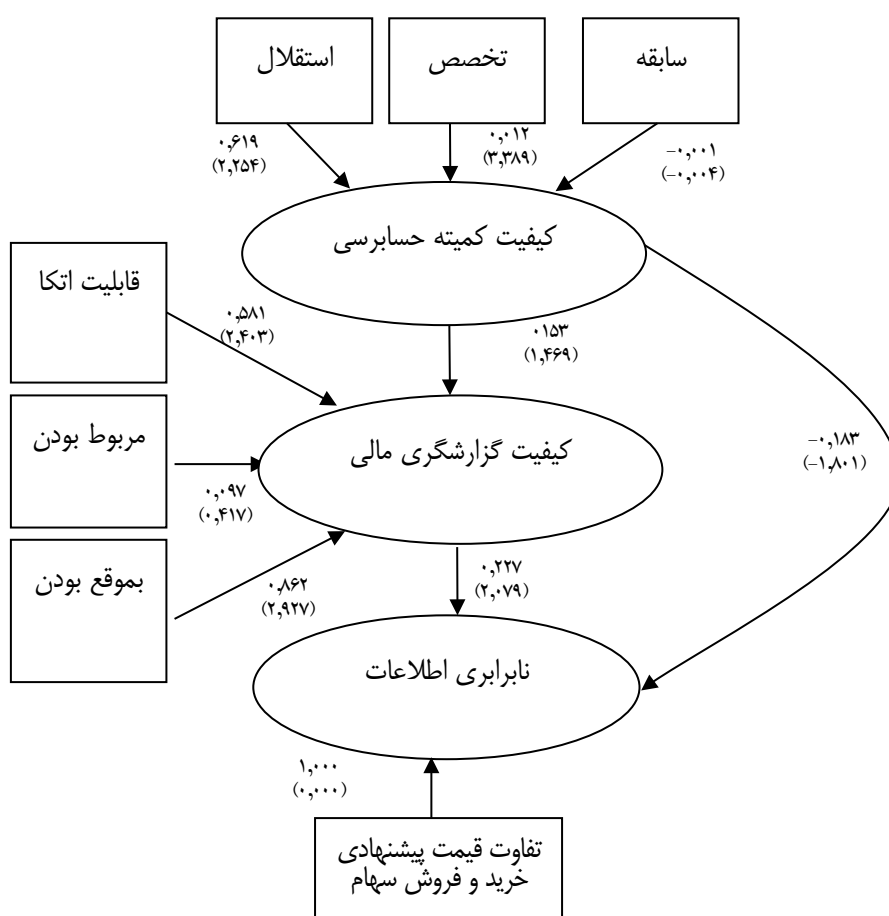
* معنی داری در سطح خطای ۵٪.

** معنی داری در سطح خطای ۱٪.

آزمون فرضیات

خروجی نرم افزار PLS در نگاره ۴ ارائه شده است. در مدل سازی معادلات ساختاری، متغیرهای پنهان یا مکنون به شکل مستطیل و متغیرهای مشاهده پذیر در دایره نمایش داده می شوند. متغیرهای مشاهده پذیر متغیرهایی هستند که مستقیماً توسط ابزار سنجش دقیق اندازه گیری می شوند. متغیرهای پنهان متغیرهایی هستند که بطور مستقیم نمی توان آنها را سنجید بلکه خود، توسط متغیرهای مشاهده پذیر سنجیده می شوند. اعدادی که بر روی مسیر بین متغیرهای پنهان نمایش داده شده اند ضرایب مسیر نامیده می شوند که بیانگر

ضریب همبستگی دو متغیر می باشند. شاخص تایید روابط در مدل ساختاری، معنادار بودن ضرایب مسیر می باشد. ارقامی که در پراتز ارائه شده است آماره های t می باشد. طبق این مدل سازه (متغیرمکنون) کیفیت کمیته حسابرسی از طریق سه شاخص استقلال، تخصص و سابقه کمیته سنجیده شده است. سازه کیفیت گزارشگری مالی نیز با استفاده از سه شاخص قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن و سازه نابرابری اطلاعات از طریق تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام مورد سنجش قرار گرفته است.

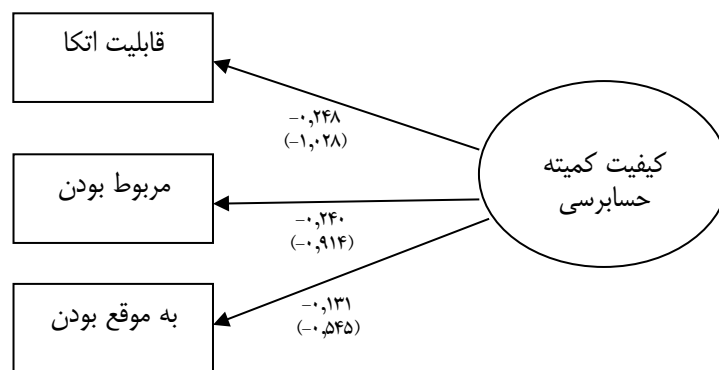


نگاره ۴- خروجی نرم افزار PLS

ضریب مسیر کیفیت کمیته حسابرسی و نابرابری اطلاعات منفی و معنادار ($t = -۱,۸۰۱$) و $-۰,۱۸۳$ می باشد که حاکی از تاثیر مثبت کیفیت کمیته حسابرسی بر کاهش نابرابری اطلاعات می باشد. بنابراین فرضیه دوم تایید می گردد. از طرفی ضریب مسیر کیفیت

گزارشگری مالی و نابرابری اطلاعات مثبت و معنی دار ($t=2,709$ و $t=0,227$) می باشد که حاکی از تاثیر مثبت کیفیت گزارشگری مالی بر کاهش نابرابری اطلاعات می باشد. با توجه به پایین بودن آماره t مربوط به مسیر کیفیت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی ($t=1,469$) می توان گفت رابطه ای بین این دو متغیر وجود ندارد و فرضیه اول رد می شود.

با توجه به اینکه بین سازه کیفیت کمیته حسابرسی و سازه کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری مشاهده نشد در ادامه وجود رابطه بین سازه کیفیت کمیته حسابرسی و مولفه های سازه کیفیت گزارشگری مالی مورد آزمون قرار می گیرد.



نگاره ۵- مدل ارتباط بین کیفیت کمیته حسابرسی و مولفه های کیفیت گزارشگری مالی

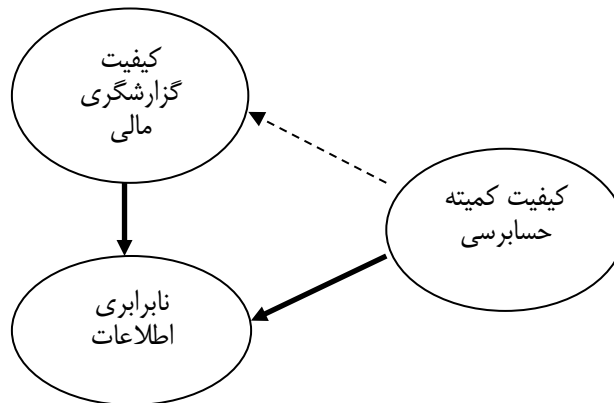
همان گونه که در نگاره ۵ مشاهده می شود بین کیفیت کمیته حسابرسی و قابلیت اتکا رابطه معناداری ($t=-1,028$ و $t=-0,248$) وجود ندارد. همچنین رابطه معناداری میان کیفیت کمیته حسابرسی و مربوط بودن ($t=-0,914$ و $t=-0,240$) و نیز بین کیفیت کمیته حسابرسی و به موقع بودن ($t=-0,545$ و $t=-0,131$) مشاهده نمی شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

برای تصمیم گیری های اقتصادی به ویژه در بازارهای سرمایه، به اطلاعاتی نیاز است که بتوان با کمک آنها منابع موجود و در دسترس را به نحوی مطلوب و کارا تخصیص داد. همواره نگرانی هایی پیرامون کیفیت اطلاعات ارایه شده وجود داشته است و تجربه جهانی

نیز بر این امر دلالت دارد که در نبود سازوکارهای کنترلی مدون و ساختاریافته، دریافت اطلاعات با کیفیت، امری ساده انگارانه است. چرا که اطلاعات با کیفیت ضمن آنکه باید قابل اتکا، مربوط و به موقع باشد باید به نحو مناسب توزیع شده و موجب کاهش نابرابری اطلاعات گردد. از این رو، در سال های اخیر، قانونگذاران برای ایجاد سازوکارهای مزبور جهت ارتقای کیفیت گزارشگری مالی دست به تصویب قوانین متعددی زده اند. یکی از این قوانین، الزام شرکت ها به استقرار و ارزیابی کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و همچنین الزام شرکت ها به تشکیل کمیته حسابرسی جهت نظارت بر کنترل های داخلی مزبور و کسب اطمینان از برآورده شدن اهداف آن کنترل ها می باشد. با توجه به اینکه سهامداران نمی توانند بطور مستمر بر مدیریت نظارت داشته باشند لذا، این مسئولیت را هیات مدیره شرکت از طریق تفویض مسئولیت نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی به کمیته حسابرسی بر عهده می گیرد. کمیته حسابرسی به عنوان ابزاری نظارتی، نقش مهمی را در شرکت بر عهده دارد (دی زورت و همکاران، ۲۰۰۲). هدف این پژوهش، با توجه به نوظهور بودن و تجربه اندک بحث کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و کمیته های حسابرسی در کشور، تعیین چگونگی و مکانیزم اثرگذاری کمیته حسابرسی بر اهداف کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (که شامل قابل اتکا، مربوط و به موقع بودن می باشد) و پیامد مرتبط با آن (نابرابری اطلاعات) می باشد. در این راستا از مدل-سازي معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و پرکاربردترین نرم افزار آن یعنی Smart-PLS استفاده شده است. دلیل اصلی استفاده از این رویکرد عدم حساسیت آن به نرمال بودن و حجم نمونه می باشد. نتایج حاصل از بررسی شرکت های دارای کمیته حسابرسی، حاکی از آن است که بیشتر شرکت ها از نظر رعایت مقررات مربوط به ترکیب کمیته های حسابرسی وضعیت مناسبی دارند. یافته های مربوط به پیامدهای کیفیت کمیته حاکی از آن است که کیفیت کمیته حسابرسی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می شود. همچنین یافته ها نشان می دهد کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می گردد. با این حال در مجموع کیفیت کمیته حسابرسی، تاثیر معنی داری در کیفیت گزارشگری مالی ندارد.

در نگاره ۶ مدل نهایی پژوهش پیرامون رابطه سه سازه کیفیت کمیته حسابرسی، کیفیت صورت های مالی و نابرابری اطلاعاتی ارائه شده است. خطوط نقطه چین حاکی از عدم وجود رابطه معنادار و خطوط پررنگ بیانگر وجود روابط معنادار است.



نگاره ۶- مدل ارتباط بین کیفیت کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی و نابرابری اطلاعاتی

به این ترتیب می توان گفت اگرچه در کوتاه مدت سازه کلی کیفیت کمیته حسابرسی، تاثیر معنی داری در سازه کلی کیفیت گزارشگری مالی نداشته است، با این حال موجب کاهش نابرابری اطلاعاتی اطلاعات شده است. دلایل متنوعی می تواند توجیه کننده چنین یافته ای باشد. اولاً از یک سو افزایش سازه کیفیت گزارشگری مالی معمولاً امری زمان بر است و ممکن است تلاش کمیته های حسابرسی در کوتاه مدت به طور بارزی مشهود نگردد. از دیگر سو، نابرابری اطلاعاتی تحت تاثیر انتظارات آتی نیز هست. لذا با تشکیل کمیته های هر چه با کیفیت تر، عملاً چشم اندازهای آتی بهبود یافته و احتمالاً با درک این موضوع توسط فعالان، نابرابری اطلاعاتی حتی در کوتاه مدت نیز بهبود می یابد.

در ادامه بند بالا، اثرگذاری کیفیت کمیته حسابرسی بر نابرابری اطلاعاتی، بر درک نسبی فعالان بازار از کیفیت کمیته دلالت دارد. این یافته ها می تواند به ویژه برای ناظران بازار سرمایه که عهده دار مسئولیت خطیر منصفانه نگهداشتن وضعیت بازار هستند، کاربرد داشته باشد. اگرچه اهداف برخی از پروژه ها در بازار سرمایه ممکن است در کوتاه مدت تحصیل نشود، با این حال می تواند چشم انداز آتی را بهبود داده و انتظارات آتی را تحت تاثیر قرار دهد و در نهایت اطمینان فعلی ناشی از انتظارات آتی فعالان بازار را افزایش دهد. بعلاوه، این یافته ها برای مدیران شرکت ها نیز این پیام را دارد که تشکیل کمیته های حسابرسی از نظر بازار، علامت مثبتی تلقی خواهد شد.

این مطالعه، متمرکز بر تاثیرات کیفیت کمیته حسابرسی بر تحقق اهداف الزامات کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، در افق کوتاه مدت و نه بلندمدت می‌باشد. با افزایش داده‌های مرتبط با کمیته حسابرسی، می‌توان اثرات بلندمدت کمیته حسابرسی را نیز بررسی و با کوتاه مدت مقایسه نمود. همچنین، بخش قابل توجهی از پیامدهای کیفیت کمیته حسابرسی تابع کیفیت گزارش کنترل داخلی خواهد بود. در حال حاضر، از یکسو به دلیل تمرکز نهادهای نظارتی بر تشکیل کمیته‌های حسابرسی و غفلت از نظارت بر گزارش کنترل‌های داخلی و از دیگر سو به دلیل نو بودن گزارش کنترل‌های داخلی، شرکت‌ها عموماً اقدام به ارایه شکلی این گزارش می‌نمایند و لذا عملاً استفاده از داده آن‌ها وافی به مقصود نخواهد بود. انتظار می‌رود در سال‌های آینده با افزایش نظارت و مطالبه عمومی گزارش کنترل داخلی، داده‌های این گزارش‌ها قابل اتکاتر گردد و بتوان این گزارش‌ها را وارد مدل این پژوهش نمود.

افزون بر این، پژوهش حاضر محدود به بعد مالی دستورالعمل کنترل داخلی می‌باشد. انتظار می‌رود در سال‌های آتی با تقویت سطح اجرای دستورالعمل کنترل‌های داخلی و همچنین تقویت سایر کمیته‌های تخصصی، ابعاد عملیاتی و رعایتی نیز پررنگ شده و زمینه ساز تکمیل مدل پیامدهای دستورالعمل کنترل‌های داخلی گردد.

منابع

- محسنین، شهریار و اسفیدانی، محمدرحیم، (۱۳۹۳)، معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی، انتشارات کتاب مهربان.
- شیرین بخش، شمس اله، عارف منش، زهره و بذرافشان، آمنه، (۱۳۹۲)، نابرابری اطلاعات: شواهدی در رابطه با دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۱۷۶-۱۴۹.
- فخاری، حسین، محمدی، جواد و نتاج، حسن، (۱۳۹۴)، بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- Abbott, L., Parker, S. and Peters, G. (2004) Audit committee characteristics and restatements, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23(1), pp. 69-87.
- Abbott, L., Parker, S. and Peters, G. (2004) Audit committee characteristics and restatements, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23(1), pp. 69-87.
- Abernathy J L, Herrmann D, Kang T, Krishnan G V.(2013) Audit committee financial expertise and properties of analyst earnings forecasts. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 29 .1-11.
- Baxter, P. and Cotter, J. (2009). Audit committees and earnings quality. *Accounting and Finance*, 49, pp. 267-290.
- Be´dard, J., Chtourou, S. and Courteau, L. (2004) The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23(2), pp. 13-35.
- Beest, F., Braam, G. and Boelens, S. (2009), Quality of Financial Reporting: measuring qualitative characteristics, Working Paper, Nijmegen Center for Economics.
- Brick, I.E. and Chidambaran, N.K. (2010). Board meetings, committee structure, and firm value. *Journal of Corporate Finance*, 16, pp. 533-553.
- Braiotta, L. and Zhou, J. (2006). An exploratory study of the effects of the Sarbanes-Oxley Act, the SEC and United States Stock Exchange(s) rules on audit committee alignment. *Managerial Auditing Journal*, 21, pp. 166-190.
- Bronson, S. N., Carcello, J. V., Hollingsworth, C. W. and Neal, T. L. (2009). Are Fully Independent Audit Committees Really Necessary Account. *Public Policy*, 28, pp. 265-280.

- Carcello, J. and Neal, T. (2003) Audit committee characteristics and auditor dismissals following 'new' going-concern reports, *The Accounting Review*, 78(1), pp. 95-117.
- Chang, J. C. and Sun, H.L. (2009), Crossed-listed foreign firms' earnings informativeness, earnings management and disclosures of corporate governance information under SOX, *The International Journal of Accounting*, Vol. 44, pp.1-32.
- Chen, J., Duh, R. and Shiue, F.N. (2008). The effect of audit committees on earnings-return association: evidence from foreign registrants in the United States. *Corporate Governance: An International Review*, 16, pp. 32-40.
- Dhaliwal D., Naiker V. and Navissi F. (2006) Audit committee financial expertise, corporate governance and accruals quality: an empirical analysis. Working paper (University of Arizona).
- Davidson, W.N. III, Xie, B. and Xu, W. (2004). "Market Reaction to Voluntary Announcements of Audit Committee Appointments: The Effect of Financial Expertise", *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(4): 279-91.
- Davidson R., Goodwin-Stewart J. and Kent P. (2005) Internal governance structures and earnings management. *Accounting and Finance* 45: 241-267.
- Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A., (1996). Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. *Contemporary Accounting Research* 13, 1-36.
- DeFond, M. L., R. N. Hann, and X. S. Hu. (2005). Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors? *Journal of Accounting Research* 43(2): 153-193.
- Dey, A. (2008). "Corporate Governance and Agency Conflicts", *Journal of Accounting Research*, 46(5), 1143-1181.
- DeZoort, F.T., Hermanson, D.R., Archambeault, D.S., and Reed, S.A. (2002). "Audit Committee Effectiveness: A Synthesis of the Empirical Audit Committee Literature", *Journal of Accounting Literature*, 21, 38-75.
- Farber, D. (2005). 'Restoring Trust After Fraud: Does Corporate Governance Matter?'. *The Accounting Review*, 80(2): 539-561.
- Felo, A., Krishnamurthy, S. and Solieri, S. (2003) Audit Committee Characteristics and the Perceived Quality of Financial Reporting: an Empirical Analysis, Working Paper, Pennsylvania State University, SUNY at Binghamton and University of Scranton.
- Forker J.J. (1992) Corporate governance and disclosure quality. *Accounting and Business Research* 22: 111-124.

- Francis, J., Khurana, I. and Pereira, R. (2005), “Disclosure incentives and effects on cost of capital”, *The Accounting Review*, Vol. 80 No. 4, pp. 1125-62.
- Ghosh, A., Marra, A. and Moon, D. (2010), Corporate boards, audit committees, and earnings management: pre and post-SOX evidence. *Journal of Business Finance & Accounting*, 37, pp. 1145–1176.
- Hamdan, A. M., Al-Hayale, T. H. and Emad Mohammed Aboagela, E. M., (2012). The Impact of Audit Committee Characteristics on Accounting Conservatism: Additional Evidence from Jordan J. King Saud Univ., Vol. 24, Admin. Sci. (1), pp. 1-15.
- He L., Wright S., Evans E. and Crowe S. (2007) Earnings management in Australia under new ASX corporate governance guidelines. Working paper (Macquarie University, North Ryde, N.S.W.).
- Johnson, J.L., Daily, C.M. and Ellstrand, E.E. (1996). “Board of Directors: A Review and Research Agenda”, *Journal of Management*, 22, 409-438.
- Lary, A.K. and Taylor, D.W. (2012). Governance characteristics and role effectiveness of audit committees. *Managerial Auditing Journal*, 27, pp. 336–354.
- Mangena M. and Pike R. (2005) The Effect of Audit Committee Shareholding, Financial Expertise and Size on Interim Financial Disclosures. *Accounting and Business Research* 35(4): 327-349.
- Menon, K. and Williams, J. (1994). “The Use of Audit Committees for Monitoring”, *Journal of Accounting and Public Policy*, 13: 121–139.
- Pucheta-Martinez, M.C. and Fuentes, C.D. (2007). “The Impact of Audit Committee Characteristics on Enhancement of Financial Reporting”, *Corporate Governance: An International Review*, 15(6), 1394-1412.
- Piot, C. and Janin, R. (2007). External auditors, audit committees and earnings management in France. *European Accounting Review*, 16, pp. 429–454.
- Rainsbury E A Bradbury M Cahan S F (2009) The impact of audit committee quality on financial reporting quality and audit fees, *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 5 .20–33.
- Rich, K. T. (2009). Audit Committee Accounting Expertise and Changes in Financial Reporting Quality . phd dissertation. Department of Accounting and the Graduate School of the University of Oregon.
- Williams, S. (2002) Association between earnings management and properties of independent audit committee members, Working Paper, Singapore Management University.

Xie, B., Davidson, W.N., and DaDalt, P.J. (2003) “Earnings Management and Corporate Governance: The Role of Board and The Audit Committee”, *Journal of Corporate Finance*, 9, 295-316.